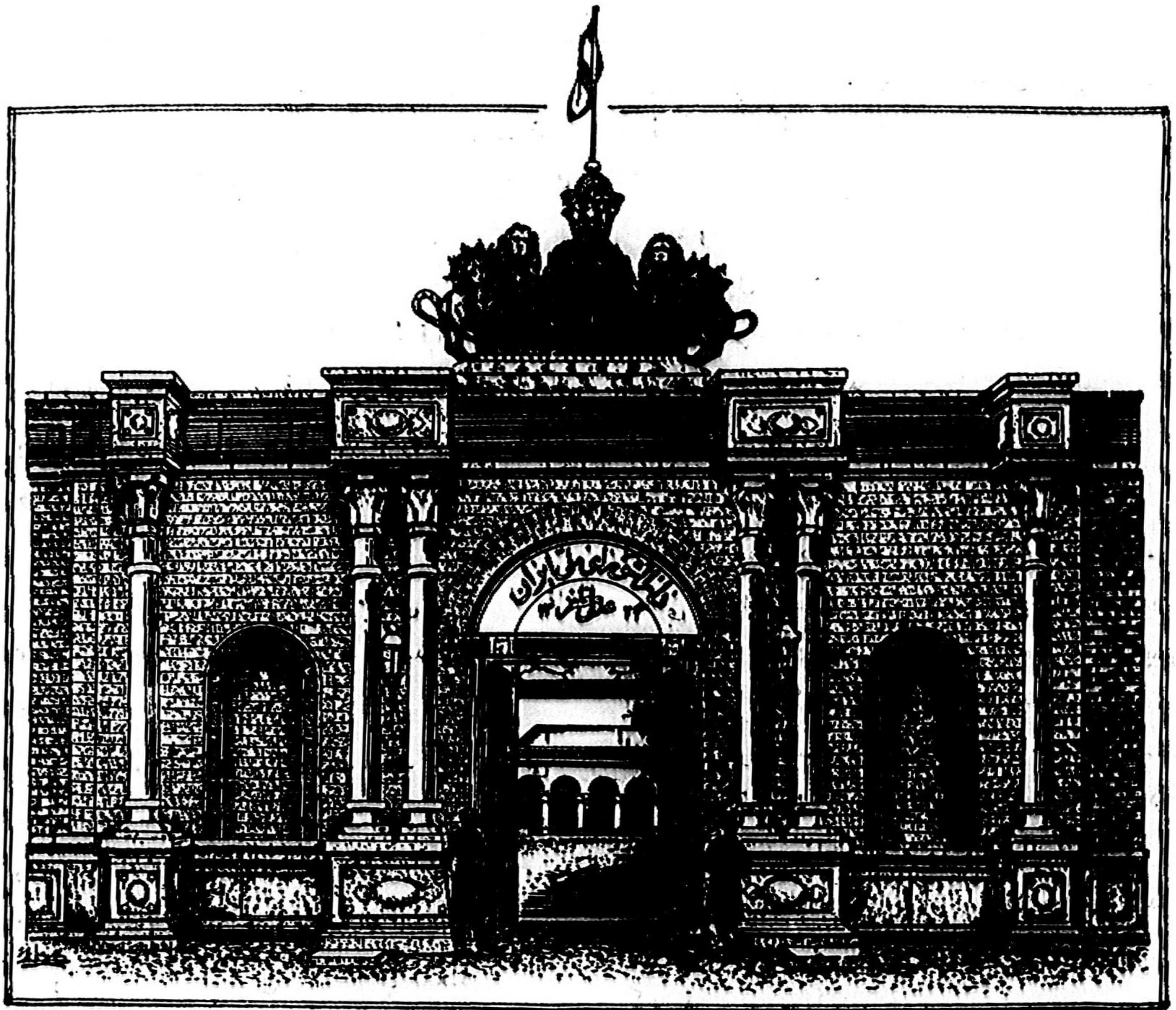


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۲۱۳</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۷۸</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه يكشنبه ۲۹ بهمن ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۶ شعبان المعظم ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تك شماره يك قران</p>

فهرست مندرجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	بقیه مذاکرات نسبت بخر کبیسیدون بودجه راجع به مخارج انتخابات دوره هفتم تقنینه و تصویب آن	۳۶۷۹	۳۶۸۷
۲	بقیه شور نان نسبت بخر کبیسیدون قوانین مالیه راجع به خالصجات انتقالی	۳۶۸۷	۳۶۹۸
۳	قانون اجازه پرداخت یکصد و پنجاه هزار تومان برای مخارج انتخابات دوره هفتم تقنینه و سی هزار تومان - ان بابت کسر مخارج انتخابات دوره ششم	۳۶۹۸	



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يك شنبه ۲۹ بهمن ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۶ شعبان المعظم ۱۳۴۶

جلسه ۲۱۳

غائبین با اجازه جلسه قبل
آقایان: دشتی - ارباب کبکخسرو - حاج شهبخ
بیات - بی سلیمان - محمود رضا - بحی خان زنگنه
غائبین بی اجازه جلسه قبل

(مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر
براست آقای پیرنیا تشکیل گردید)
(صورت مجلس روز قبل را آقای
نکتهبان قرائت نمودند)

آقایان: کی استوان - اعتبار - اسدی - اعظمی
نظام مافی - نوبخت - حاج حسن آقا ملک - محمد
ولی میرزا - میرزا حسن خان وثوق - حاج غلامحسین ملک
در آمده با اجازه جلسه قبل

آقای مدرس -

در آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان: فهیمی - عراقی - روحی - مرتضی قلیخان
بیات - شریعت زاده - باسائی - نجومی - پالیزی
قوام شیرازی -

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - در جلسه گذشته بنده مریض بودم و از مقام
محترم ریاست هم استعجازه کرده بودم بنده را غائب بی
اجازه نوشته اند

رئیس - کمیسیون باید جواب بدهد آقای باسائی

باسائی - بنده هم تقریباً یکساعت و نیم واسطه گرفتاری
در آمدم و از مقام ریاست هم استعجازه کردم نمیدانم چه
شده است غائب بی اجازه نوشته اند

رئیس - مخبر کمیسیون باید جواب بدهند

زوار - (مخبر کمیسیون عراقی) - دیروز کمیسیون
تشکیل نشد

رئیس - پس تکلیفش باید معلوم شود. آقای آقا

سید یعقوب

آقا سید یعقوب - يك مسئله را مقام ریاست تذکر
دادند چون در نظامنامه نبود باید در صورت مجلس قید
شود ولی در صورت مجلس نوشته نشده است و آن
مسئله این بود که قابل توجه بودن را باید قبل از فوریت
رای گرفت و این مسئله باید در صورت مجلس نوشته
شود.

رئیس - اضافه میشود. صورت مجلس ابرادی ندارد.

(گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد. پیشنهادهای

دادگر - عرض کنم این پیشنهادی که بنده کردم
همانطور که عرض کردم برای همان اشکالاتی بود که همیشه
وزارت داخله با آن مصادف میشد و دوره مالی میگذشت
وزارت مالیه دریغ میکرد آن مخارجیکه پیش میآید بدهد و
وزارت داخله دچار اشکال میشد. آقای ملک مدنی و احتشام
زاده هم که این پیشنهاد را کردند هر دو آقایان نظرشان
با نظر بنده مساوی بود و چون هر سه ما اطلاع از يك
قضایائی پیدا کردیم این پیشنهاد را کردیم و من از
رفقای خودم تقاضا میکنم چون در اطراف پیشنهاد بنده
باقای وزیر داخله و مخبر کمیسیون مذاکره شده است و
متفق علیه است اجازه بدهند بهمان رأی گرفته شود و همین
امروز این اشکال رفع شود

خطبی - بنده و آقای ملک مدنی هم موافقت میکنیم با
پیشنهاد آقای دادگر

مخبر - بنده هم پیشنهاد آقای دادگر را قبول میکنم
یکمرتبه دیگر قرائت شود.

(شرح سابق خوانده شد)

رئیس - پیشنهاد آقای عدل

(شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در تبصره لفظ بابت حذف شود.

رئیس - آقای عدل

عدل - عرض میشود بنده باین لایحه در عین اینکه
موافقم ولی با تنظیم آن يك مخالفتی داشتم که نوبت به
من رسید این است که حالا استفاده میکنم از اجازه ام
و عرض میکنم اولاد ماده واحده که مینویسد: وزارت
مالیه مجاز است ما دو قسم مخارج داریم یکی مخارج ثابت
مثل اینکه به یکی مواجب بدهیم یکی هم اعتبار است
که میدهیم چنانچه در مقدمه این لایحه نوشته میشود
که این صد و پنجاه هزار تومان را دولت اعتبار دارد
یعنی میتواند تا میزان صد و پنجاه هزار تومان برای
انتخابات مصرف کند چنانچه کنترات بلریکی ها را که
خبرش را امروز خوانده اید نوشته است بدولت اعتبار

داده میشود این جا هم باید نوشته شود: بوزارت مالیه
اعتبار داده میشود که مبلغ صد و پنجاه هزار تومان به
وزارت داخله از بابت انتخابات دوره هفتم تقنینیه
مجلس شورای ملی پردازد در تبصره هم يك اصلاح عبارتی لازم
است توضیح زیادی هم لازم ندارد یا (بابت) باید نوشته شود
یا (را) نوشته است وزارت مالیه مجاز است مبلغ سی
هزار تومان بابت کسر مخارج انتخابات دوره ششم تقنینیه
را علاوه بر مبلغ فوق تأدیه نماید. یا باید (را) را برداشت
یا (بابت) را. یا باید نوشته شود سی هزار تومان بابت
کسر مخارج انتخابات دوره ششم تقنینیه علاوه بر مبلغ
فوق تأدیه نماید. یا اینطور نوشته شود: مبلغ سی هزار
تومان کسر مخارج انتخابات دوره ششم تقنینیه را علاوه
بر مبلغ فوق تأدیه نماید

مخبر - عرض کنم در قسمت اول که فرمودند اعتبار
را باید مجلس بدهد اینطور نیست. مجلس اجازه باید
بدهد و وزارت مالیه اعتبار بدهد. قسمت دوم را هم
ملتفت نشدم چه فرمودند. برای رفع اشکال آقای کازرون
هم اگر (در صورت لزوم) بتبصره اضافه شود رفع اشکال
ایشان خواهد شد

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای عدل را قابل توجه
میدانند قیام فرمایند

(معدودی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای فیروز
آبادی.

(بعضون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که مخارج مراجعت آقایان نمایندگان
حذف شود و مخارج آمدن آقایان و کلابزگر از قرار فرسخی
پنجقران داده شود

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده از آنجائیکه که نظر کامل مثل
همه آقایان دارم که مملکت باید بودجه اش اصلاح

شود و خرج و دخلش مساوی باشد. اگر يك مملکتی خرجش بیشتر از دخلش بشود آن مملکت بالاخره بحال خودش نمیتواند بماند. این ترتیبی که در مملکت ما پیش آمده مطلب را بعکس میکند. عرض بنده را آقایانی تصدیق میکنند که با غالب مردم حشر داشته باشند، با انواع و اقسام مردم حشر داشته باشند و از حالات روحیه مردم اطلاع داشته باشند و بدانند نتیجه فقر مردم به کجا میرسد. مملکت ما امروز صادراتش تقریباً دو مقابل وارداتش است. ما محتاج ما تماماً از خارج میآید. کفش های ما تماماً از خارجه میآید. کفش های خارجه بچفتی چهار تومان و اینم رسیده است. صد هزار ارسی دوز از بین رفت آلات تقلیه ما منحصر شده است بخارجه. لباس ما. دواى ما غذای ما دارد منحصر میشود بخارجه. از خودمان هیچ نداریم...

بعضی از نمایندگان - همه چیز داریم

فیروز آبادی - بلی همه چیز داریم ولی يك چیز نداریم خدا آن يك چیز را ما بدهد. بنده عقیده ندارم که صدو پنجاه هزار تومان مخارج انتخابات بشود در انتخاباتیکه هست نظار که حقوق ندارند پس این صدو پنجاه هزار تومان خرج چه میشود؟ باید معین کرد اگر میخواهند به خرج مفتشین برسند که آنها اینقدر خرج ندارند و بحمدالله معلوم شده است خود مفتشین هم مفتش لازم دارند. اگر بمصرف دیگر میخواهند برسند باید احتیاجات و فقر مملکت و وضعیات را در نظر بگیرند که آیا اصلاح است صد و پنجاه هزار تومان مخارج انتخابات بشود یا نه؟ آنوقت در این مجلس هم باز پیشنهادات بشود که اگر صرفه جوئی شد باز هم خرج انتخابات همان دوره بشود. اگر با این ترتیبات و فقر و بریشالی مملکت صلاح هست این مخارج و این پیشنهادها بسیار خوب بکنند اگر صلاح نیست باید جلو گیری از مخارج بشود و قسمی بشود که ما بتوانیم زانکی کنیم. روز بروز خرج ما زیاد میشود. خرج اشل بندى ما طوری شده است که

الحمد لله غنقرب پنجاه شصت كرور مخارج ادارى ما میشود و قطعاً عایدات ما هم کم خواهد شد. کسی تصدیق خواهد کرد عقیده بنده را که عایدات کم میشود که متوجه فقر عمومی مملکت باشد. متوجه باشد که صادرات ما کم و واردات ما زیاد شده است تصدیق خواهند کرد با این وضعیات ما این قسم مخارج را نمیتوانیم بکنیم باید تمام مخارج خودمان را کم کنیم اول از خود مجلس شروع کنیم و از انتخابات و کلا شروع کنیم تا برسد به ادارات و جای دیگر اگر غیر این بکنیم هرکس خیال بکند ما بتوانیم روی پایمان بایستیم يك خیال خاصی است و عنقریب ما مغدوم خواهیم شد چون بنده این چیزها را محسوس می بینم لابد غالباً بعرض آقایان برسانم و از آقایان خواهش کنم يك قدری جلو مخارج را بگیرند و این از محالات است که يك مملکت يك تومان خرج داشته باشد و پنجقران دخل و آن مملکت باقی بماند بنده چون فکرم این است این عریاض را عرض کردم و عقیده ندارم که این مخارج گران بشود اگر چه بعضی از آقایان قول داده اند که انشاءالله در دوره آتی با از اول حمل به بعد حقوق و کلا کم بشود مخارج که کم شد امیدواریم مملکت رو به اصلاح برود. هر وقت اصلاحات از مجلس شروع شد عمومیت پیدا میکند و هر وقت در مجلس يك خرج تازه پیدا شد يك اضافه در مجلس پیدا شد در همه جا شروع میشود به اینجهت بنده این پیشنهاد را عرض کردم که اولاً خرج مراجعت آقایان و کلا حذف شود یعنی در موقعیکه میخواهند مراجعت کنند از جیبشان خرج کنند و بروند و بعد هم...

بعضی از نمایندگان - (با همهمه) ماده ۶۳. در پیشنهاد که نمیشود کنفرانس داد

رئیس - آقا ماده ۶۳ را رعایت کنید
فیروز آبادی - به چشم. مشروط بر اینکه همه این ماده را رعایت کنند. تبعیض نشود. وقت آمدن به طهران هم از ولایات هر فرسخی پنجقران خرج آمدنشان

کافی است هر چند می بینم...
(همهمه نمایندگان)

رئیس - در ضمن يك پیشنهاد میخواهید اطلاق مفصل بکنید اینکه نمیشود
شیروانی - این جا که جای کنفرانس نیست
فیروز آبادی - باید مطالب مهمه را گفت
رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده و همه آقایان کوشمان به فور موهای آقای فیروز آبادی کاملاً آشنا است. ایشان خرج را موافق نیستند اگر هم بخواهند تفقد کنند نصف میفرمایند. فکر نمیکنند این خرج ضروری است یا ضروری نیست. این جا يك قسمت فرمودند در موضوع دخل و خرج بودجه که فرمودند بودجه تعدیل نیست و دخل و خرج نمیکند آقا اشتباه فرمودند بودجه کاملاً دخل و خرج میکند و این فرمایند که فرمودند هیچکدام مورد نداشت تصدیق بفرمایید مملکت تنها طهران نیست و طهران هم تنها چالیدان نیست مملکت احتیاجات دارد حضرتعالی توجه نان مخصوص به طهران است آنهم قسمت جنوب در صورتیکه طهرانها از هر جهه راحت هستند ولی در ولایات مردم همه قسم گرفتاری دارند و مبتلا هستند و ماها میدانیم آنها چگونه زندگان میکنند آقا این قسمت ها را همه روزه به رخ ما می کشید و بالاخره همه مثل آقا نمیتوانند زندگانی کنند و این پیشنهاد را هم که برای خرج ایام و ذهاب آقایان نمایندگان فرمودند این مسئله در قانون انتخابات قید شده است و مصرح است و اگر آقا بخواهند از این قسمت صرف نظر شود باید اصلاح قانون انتخابات را بخواهند و در آنجا نظر آقا نامین میشود و بالاخره این قسمتهائی که فرمودند تقریباً همه این ها کهنه شده است و ما دو سال است که میشنوم.

مخبر - عرض کنم که از این صدو پنجاه هزار تومان چهل هزار تومان خرج انتخابات طهران و خرج انتخاب خود اقا است

فیروز آبادی - بدر از همه
رئیس - رای میگیریم آقایانیکه پیشنهاد آقای فیروز آبادی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(دوسه نفر برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای روحی هم ضمناً رد شد پیشنهاد آقای زوار
(اعضون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم اعتبار مخارج انتخابات دوره هفتم صدو چهل و پنج هزار تومان باشد
رئیس - آقای زوار

مرتضی قلیخان بیات - ماده ۶۳
زوار - آقای بیات - بواسطه خدمتی که بنده بایشان کرده ام حق دارند که من هنوز حرف زده می گویند ماده ۶۳. بنده ظناً همیشه موافق هستم باینکه مخارج مملکت تقلیل شود و يك نظریات هم بنده داشتم و يك طرحی هم راجع بمخارج انتخابات پیشنهاد کرده بودم ولی متأسفانه موفق نشدم. باهضای آقایان نمایندگان برسانم. عرض کنم يك قسمت این مخارج خرج منتشین وزارت داخله است راجع بانخابات در صورتیکه تقنینش قانوناً حق وزارت داخله نیست قانون اجازه نداده است که وزارت داخله در انتخابات تقنین نماید صحت باعدم صحت انتخابات با انجمن نظار است. بنابر این بنده تصور میکنم که پنج هزار تومان از این مخارج کسر شود آنوقت موضوع مفتش که باعث عدم پیدشرف کار میشود از بین برود و این پنج هزار تومان را هم بنده برای همین پیشنهاد کردم که موضوع مفتش از بین برود

رئیس - آقای رفیع
حاج آقا رضا رفیع - عرض کنم که نمایندگان محترم میتوانند يك اعتباریکه از طرف دولت پیشنهاد شده است بآرد کنند یا قبول کنند. اگر انتخابات دوره هفتم را لازم میدانند و بالاخره مشروطیت تعطیل بردار نیست

باید موافقت کنند و تمام این مذاکرات بیهوده است است هر چه دیروز صحبت شد و هر چه امروز صحبت شد تمام این مذاکرات خصوصی است و خوب است آقایم موافقت فرمایند با این پیشنهادی که از طرف دولت شده است بالاخره رد کنید یا قبول کنید اگر میخواهید مشروطیت برقرار باشد و مجلس باز باشد البته اعتبار میخواهد کسر کردن و زیاد کردن هیچکدام مؤثر نیست

زوار - مسترد میکنم

رئیس - ماده الحاقیه پیشنهادی آقای آقا سید بعقوب.

(مضمون ذیل قرائت شد)

ماده الحاقیه را پیشنهاد میکنم. ماده الحاقیه دولت مکلف است پس از افتتاح مجلس در هر موقه که محتاج بانتخاب جدید باشد از اصل بودجه مملکتی مصارف آن انتخابات را بدهد

رئیس - آقای آقا سید بعقوب

آقا سید بعقوب - بنده این پیشنهاد را کردم خواستم توجه آقای دادگر و آقای وزیر داخله را جلب کنم آقایان پیشنهاد کردند که از صرفه جوئیهای این پول بگذارند برای انتخابات. اگر مجلس افتتاح شد و یکماه از افتتاح مجلس گذشت و محتاج بانتخابات شدیم هنوز صرفه جوئی انتخابات که معلوم نشده است. مجلس هم گفت فرضاً انتخاب فلانجا تجدید شود و رای هم داد آنوقت چه باید بکنیم؟ پس برای این نظر بنده خواستم این پیشنهاد را بکنم که آقای دادگر و آقای وزیر و آقای مخبر قبول کنند اگر شما به اعتبار صرفه جوئی میخواهید این کار انجام بگیرد تکلیف صرفه جوئی که معلوم نمیشود مگر در آخر سال و اگر شما در وسط سال محتاج بانتخاب بشوید و همه آقایان هم تصدیق فرمایند که انتخابات يك مقامی دارد که فوق همه مخارج است حالا بعضی آقایان میگویند که خرج مسافرت بویکیل داده نشود وکیل را دار بزنند زیر وزیر بکنند بنده حقیقت را میگویم مقام مجلس و

ایشان را ما در ضمن آن تبصره نامین کردیم یعنی اگر بنویسیم از صرفه جوئی و اگر تکافو نکرد از متن عایدات داده شود منظور ایشان نامین خواهد شد.

آقا سید بعقوب - این را هم اضافه فرمائید که اگر محتاج شدند و صرفه جوئی معلوم نبود منوط نباشد به صرفه جوئی آنوقت بنده استرداد میکنم رئیس - پیشنهاد دیگر.

پیشنهاد آقای فرشی و آقای محمد ولی میرزا

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد مینمائیم:

ماده الحاقیه - وزارت داخله مکلف است که از تاریخ تصویب این قانون ناده روز پیشنهادی برای تجزیه حوزه های انتخابیه بلوکات از شهرهای تبریز و طهران و مشهد و شیراز تهیه و به مجلس تقدیم نماید

رئیس - این راجع به دولت نیست راجع به خود مجلس است. دولت نمیتواند این کار را بکند

مخبر - اصلاً این پیشنهاد موضوعی ندارد مسئله انتخابات راجع به خود مجلس است و دولت نمیتواند دخالت بکند رئیس - این پیشنهاد را خود آقایان وکلا ممکن است

بدهند پیشنهاد آقای مدرس

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم بعنوان تبصره نوشته شود: غیر از انجمن نظار آهم در حوزه خود حق نفتیش در انتخابات وکلاء مجلس شورای ملی ندارد و مصارف مفتشین مذکور از محل اعتبار فوق داده خواهد شد

رئیس - آقای مدرس

مدرس - اگر تفریح بودجه را می آوردند بمجلس آنوقت ما ملتفت میشدیم که این اعتباری را که برای دوره پیش بجهت انتخابات داده ایم صرف چه کاری کرده اند مقاصفانه تفریح بودجه را هیچ ما نمی بینیم تصویب بودجه را می بینیم ولی تفریحش را نمی بینیم عرض کنم يك قسمت از پول انتخابات خرج مفتشینی میشود که دولت

مبفرستد و اصلاح مفتش فرستادن دولت در انتخابات وکلای مجلس شورای ملی خلاف قانون است. هیچ نفتیش در انتخابات ربطی بدولت ندارد در هر حوزه انجمن نظار مکلف است که بر طبق قانون انتخابات انتخابات آن حوزه را تمام کند و راپورتش را بدهد. مسئول درست کردن انتخابات حوزه اصفهان انجمن نظار اصفهان است و باید انتخابات را تمام کند و بفرستد و اگر مردم هم به دولت شکایت میکنند دولت بگیرد رجوع کنید به انجمن مرکزی خودتان و قضیه را آنجا حل کنید و بنده چون این صد و پنجاه هزار تومان اعتبار است و اعتباری به اعتبار نباید داد بجهت اینکه اعتبار شاید خرج شود ولی در دوره های پیش همه ما دیدیم که يك مفتشینی از مرکز فرستاده میشد بجهت آخر نقطه ایران البته مفتش خرج دارد و عقیده من این است که آن پولی را که دولت به مفتشین میدهد که بروند نفتیش کنند و در اطراف مملکت این برخلاف قانون و بر ضرر انتخابات است بر تخریب انتخابات است انجمن مرکزی برای هر جائی که در حوزه خودش میخواهد مفتش بفرستد بفرستد آنرا چه يك قسمت از این پیشنهاد من شاید متناسب با این لایحه نیست ولی از باب اینکه این مسئله را گوش زد کنم و بدولت هم عرض کنم که بدانند مفتش فرستادن دولت در انتخابات خلاف قانون و مضر بحال انتخابات است (نمایندگان صحیح است) این پیشنهاد را کردم بلی انجمن مرکزی هر جائی حق نفتیش دارد در حوزه خودش دارد که به بیند انتخابات موافق قانون و موافق ترتیب واقع شده است بانه لهذا این پیشنهاد را کردم و گفتم این است که اگر آقای مخبر هم این جمله را قبول فرمایند یا آقایان رای بدهند يك خلاف قاعده نشده است و يك ضرری هم بودجه نمیخورد و يك مسئله قانونی هم عمل شده است. محض تذکر عرض کردم

وزیر داخله - البته همانطور که آقای مدرس فرمودند فرستادن مفتش در هر موردی که ضرورت ندارد دولت هم که نمیخواهد يك مفتشی به این طرف و آن طرف فرستد و يك حقوقی به آنها بدهد... مدرس - حق ندارد

وزیر داخله - و موضوع را بی جهت مشکل کند ولی يك جائی ضرورت پیدا میکند که مفتش برود مثلاً اگر میانه خود انجمن نظار باین انجمن نظار و حاکم یا میدان مردم و انجمن نظار يك اختلافی حاصل شد یا اصلش انتخاب يك انجمنی بر خلاف قانون شد البته باید دولت نفیث کند و مطابق قانون جریان انتخابات را تمام کند در يك موقعی ضرورت پیدا می کند مفتش برود يك اطلاعاتی وزارت داخله پیدا کند و روی آن اطلاعات وزارت داخله يك کارهایی بکند و اگر بنا باشد که هیچ مفتش فرستاده نشود ممکن است يك وقتی يك انتخاباتی بر خلاف قانون انجام یابد و بنده لازم میدانم که مفتش در بعضی موارد فرستاده شود.

رئیس - آقای حاج آقا رضا

حاج آقا رضا (رفیع) - عرض کنم بطوریکه نماینده محترم در آخر نطق خودشان ایراد فرمودند این مسئله مجلس این جا نیست و در قانون انتخابات باید گفته شود ولی من از خود ایشان سؤال میکنم البته اگر این جزء انتخابات هرجائی باشد که وقتی میخواهند انتخاب بکنند بکنفر مفتش وزارت داخله بفرستد بنده هم با ایشان موافقم و هیچوقت وزارت داخله همچو کاری نباید بکند. آقا ملاحظه بفرمائید در موقع انتخابات اگر در محلی مشاجره شود بین انجمن نظار و حاکم یا حاکم و اهالی وزارت داخله آیا باید مفتش بفرستد آنجا که به بیند آن اشخاصی که از انجمن شکایت دارند راست میگویند و انتخابات مطابق قانون بوده است یا نه؟ بنده مخصوصاً شاید حدس میزنم که خود نماینده محترم چندین

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی

(باین مضمون خوانده شد)

بنده ماده الحاقیه را پیشنهاد میکنم : دولت با کمال صرفه جوئی باید انتخابات دوره هفتم را خاتمه بدهد هر قدر هم صرفه جوئی شده بگذارد بجهت دوره بعد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده دیدم بعضی پیشنهادات شد که اگر این اعتبار اضافه آمد باید بمصارف انتخابات همان دوره برسد در واقع معنایش این بود که نگذارند چیزی باقی بماند . بنده عقیده ام این است که هر چه اضافه آمد تخصیص پیدا کنند بجهت انتخابات دوره بعد یا اینکه برگردد به خزانه دولت آرام بنده مخلفت ندارم و از آنجائی که مایه بینیم هرجائی که هر قدر اعتبار داده شد به دولت به امید اینکه این اعتبارات يك مقدارش خرج میشود و بكمقدارش هم خرج نمیشود و بر میگردد به خزانه دولت ولی آخر مایه بینیم که باز کسر آمده است بنده مخالف هستم و به این ملاحظه پیشنهاد کردم که بیش از این اعتبار دولت حق ندارد و این اندازه را هم با کمال صرفه جوئی باید خرج کنند اضافاتش هم باز برگردد به خزانه دولت

رئیس - پیشنهادی که آقای دادگر دادند گویا این

نظریه را تأمین میکنند . میخواهید قرائت شود

فیروز آبادی - اگر تأمین میکند بنده مسترد میدارم

رئیس - تبصره پیشنهادی آقای دادگر و آقای آقا

سید یعقوب قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

تبصره ۲ را برتربن ذیل پیشنهاد میکنیم .

تبصره دوم - اعتبار فوق برای يك دوره انتخابیه

است و صرفه جوئی حاصله در صورت لزوم بمصرف مخارج همان دوره انتخابیه میرسد چنانچه صرفه جوئی هنگام ضرورت معلوم نباشد از اصل بودجه مملکت برداشته می شود

رئیس - به پیشنهاد شما آقای فیروز آبادی ، رای بگیریم ؟

فیروز آبادی - خبر بنده استرداد کردم

کازرونی - بنده پیشنهاد کردم در صورت لزوم اضافه شود

رئیس - اضافه شده است ماده واحده و تبصره ها قرائت

میشود و رای میگیریم

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است مبلغ بکصد و پنجاه هزار تومان از عایدات هذه السنه ۱۳۰۶ برای مخارج انتخابات دوره هفتم تقنینیه به وزارت داخله کارسازی دارد

تبصره ۱ - وزارت مالیه مجاز است مبلغ سی هزار تومان بابت کسر مخارج انتخابات دوره ششم تقنینیه را علاوه بر مبلغ فوق تأدیه نماید

تبصره ۲ - اعتبار فوق برای يك دوره انتخابیه است و صرفه جوئی حاصله در صورت لزوم بمصرف مخارج همان دوره انتخابیه می رسد چنانچه صرفه جوئی هنگام ضرورت معلوم نباشد از اصل بودجه مملکت تأدیه میشود .

ضیاء - بنده پیشنهاد تجزیه میکنم

رئیس - با اوراق رای گرفته میشود آقایان موافقین

اوراق سفید خواهند داد

[اخذ واستخراج آراء بعمل آمده ۸۹ ورقه سفید

تعداد شد]

رئیس - عده حاضر صد و شش با هشتاد و نه رای

تصویب شد .

اسامی رأی دهندگان

خواجوی - ملك مدنی - آقا سید یعقوب -

دکتر طاهری - عمادی - بهبهانی - محمد آخوند - خفنیویس

محمدولی میرزا - دولتشاهی - موقر - حاج آقا حسین زنجانی

یامداد - دادگر - عصر انقلاب - امام جمعه اهر - احتشامزاده
 ملك آرائی - میرزا ابراهیم آشتیانی - کازرونی - امام -
 جمعه شیراز - شیروانی - عراقی - زوار - نوبخت - امیر
 تیمور کلای - میرزا هاشم آشتیانی - خطیبی - فرمند
 دکتر رفیع خان امین - اسکندری - جهانشاهی - تقی
 زاده - قوام - ذوالقدر - سلطان محمد خان عامری -
 نجومی - افشار - سید کاظم بزدی - حاج میرزا حبیب الله امین
 میرزا عبدالحسین کرمانی - نکهبان - فرشی - روحی - آقا
 علی زارع - دیوان بیگی - وکیل طباطبائی - میر ممتاز - ابراهیمی
 حشمتی - مقدم - امامی خوئی - امیر اسدالله خان عامری - مفتی -
 عدل بقوانی - بدر - مولوی - ارباب کیخسرو - معظمی
 محمد تقی خان اسعد - وزیر - میرزا عبد الله خان وثوق -
 ملك ابرج پور تیمور - میرزا حسن آقا زاده سبزواری -
 جوانشیر - سهراب خان ساکینیان - حیدری - دکتر سنک
 محقق - عباس میرزا فرمانفرمایان - سید حسین آقاییان
 یاسائی - جلالی - مرتضی قلیخان بیات - مسعود -
 فومنی - امیر حسین خان ابلخانی - اعتبار - طباطبائی دبا
 افخمی - ثقة الاسلامی - میرزا حسن آیت الله زاده - فهیمی
 حاج میرزا مرتضی - اسفندیاری - فرمند - افسر -
 دکتر لقمان

رئیس - پیشنهادی آقای ملك مدنی نموده اند که
 خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع به خالصجات انتقالی
 جزء دستور و مطرح شود . آقای مفتی هم همین پیشنهاد
 را کرده اند
 (چهار فقره پیشنهاد بشرح ذیل خوانده شد)
 پیشنهاد آقای ملك مدنی
 پیشنهاد می نام خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع به
 خالصجات انتقالی جزء دستور مطرح شود
 پیشنهاد آقای مفتی
 پیشنهاد می کنم بعد از لایحه اعتبارات انتخابات دوره
 هفتم لایحه خالصجات انتقالی جزء دستور امروز شود
 پیشنهاد آقای دکتر طاهری

پیشنهاد میشود بعد از ختم لایحه اعتبار انتخابات
 خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع به خالصجات انتقالی
 مطرح شود
 پیشنهاد آقای ضیاء
 پیشنهاد می نام بعد از لایحه مخارج انتخابات دوره
 هفتم خبر کمیسیون بودجه راجع بساختمان پل سفید رود
 بین لاهیجان و رشت مطرح شود
 رئیس - آقای ملك مدنی
 ملك مدنی - عرض کنم که خبر کمیسیون قوانین
 مالیه راجع بخالصجات انتقالی يك خبری است که بعقیده
 بنده اکثریت مجلس موافق است که این لایحه زودتر از مجلس
 بگذرد زیرا مبتلا به همه آقایان است و دلیلش هم این است که
 دیروز آقای مفتی در اینجا اظهار کردند که از کردستان
 تلگرافاتی در این موضوع رسیده است چون این لایحه
 در مجلس مطرح شده است و شور اولش هم گذشته است
 و اگر شور نانی آن هم مطرح شود وقت زیادی لازم
 ندازد بنده با توافق نظر آقایان پیشنهاد کردم که این
 لایحه جزء دستور شود و آنقدر کاری هم ندارد و تصور
 میکنم آقای ضیاء هم موافقت بفرمایند که بعد از این لایحه
 پیشنهاد ایشان مطرح شود
 ضیاء - بنده هم موافقت میکنم که بعد از این لایحه
 مطرح شود
 رئیس - لایحه خالصجات انتقالی مطرح است .
 ماده اول

(مضمون ذیل خوانده شد)
 ماده ۱ - خالصه انتقالی املاکی است که از ۱۲۹۰
 قمری باینطرف در تصرف دولت بوده و بعد بتصرف
 اشخاص در آمده است املاک مزبور در صورت داشتن
 یکی از شرایط ذیل ملك مالکین خصوصی شناخته شده و از
 حیث مالیات تابع مقررات این قانون خواهد بود
 ۱ - خالصجاتیکه متصرفین آن اسناد رسمی دفتری شده
 داشته باشند

ب - خالصجاتیکه تا تاریخ اول بهمن ۱۳۰۶ شمسی
 انتقالی بودن آن مورد تصدیق دولت و مالك واقع
 شده باشد
 ج - خالصجاتی که تا این تاریخ سی سال در تصرف
 اشخاص بوده است اعم از اینکه از طرف دولت مورد
 تعرض و مداخله واقع شده یا نشده باشد
 د - خالصجاتی که بدست سال بدون تعرض و مداخله
 از طرف دولت در تصرف اشخاص بوده است .
 تبصره ۱ - مقصود از تصرف اشخاص دستهای مختلفه
 متصرفین غیر دولت است .
 تبصره ۲ - خالصجاتیکه قبل از ۱۲۹۰ قمری بتصرف
 اشخاص در آمده است در صورتیکه مشمول قسمت (ب)
 نشود ملك اربابی شناخته شده و از حیث مالیات تابع
 مقررات قانونی املاک اربابی خواهند بود .
 رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - عرض کنم بعقیده بنده هر قانونی که از
 مجلس میگردد یا از نقطه نظر نفهمیدن یا از جهت اعمال
 غرضهایی که در نظر دارند آنطوریکه مقصود واضح
 قانون است قانون را اجرا نمیکند از این جهت باید ما
 قانون را طوری واضح و صریح بنویسیم که در موقع
 اجراء دچار تفسیرات و تعبیرات وزارت مالیه نشویم .
 اولاً اعتراضی که بنده به ماده اول این قانون دارم
 که اساس این لایحه همین ماده اول است این است که
 ما باید در بادی امر در نظر بگیریم که چگونه املاکی
 ملك اربابان است و چگونه املاکی خالصه انتقالی است
 و چه نوع املاک خالصه دولتی است . هر سه موضوع باید بطور
 وضوح در این ماده نوشته شود . این جا نوشته شده است :
 خالصجاتی که قبل از ۱۲۹۰ قمری در تصرف دولت بوده و بعد
 بتصرف اشخاص در آمده است در صورت داشتن یکی از
 شرایطی که بعد گفته می شود ملك اربابان شناخته
 میشود و در تادیبه مالیات تابع مقررات املاک اربابی

است و در قسمت (ب) اینطور نوشته شده است که
 خالصجاتی که تا تاریخ اول بهمن ۱۳۰۶ انتقالی بودن
 آن مورد تصدیق دولت و مالك واقع شده باشد . مطابق
 این قسمت اینطور گفته می شود که اگر يك ملكی مورد
 تصدیق و توفیق متصرف ودولت است که این خالصه انتقالی
 است آن ملك خالصه انتقالی است و اگر نبود و متعلق
 به قبل از ۱۲۹۰ هجری بود آنوقت ملك اربابی شناخته
 میشود . بنده میدانم که این فکر را کمیسیون از چه
 نقطه نظر ایجاد کرده است وقتی که ما برای کلیه دعاوی
 مردم بر یکدیگر يك مرور زمان چهار ساله قائل شدیم در
 مورد اختلاف دولت با مردم چرا پنججاه و شش سال
 قائل شویم ؟ این تفاوت از کجا ناشی میشود ؟ در صورتیکه دولت
 همیشه قویتر و بیشتر به محکمه دست داشته است بهتر مکن میشده
 است که اقامه دعوی کند . لهذا در این قسمت عقیده
 بنده این است که پنججاه و شش سال خیلی زیاد است
 و باید مثل قانون مرور زمان از سال ۱۳۰۷ هجری
 را که تا حالا چهار سال میشود ملاک قرار دهیم و هر چه
 که قبل از ۱۳۰۷ مورد اختلاف است و بعد از آن
 اعتراضی نشده است ملك اربابی شناخته شود و از آن
 تاریخ به بعد که يك فرامین مضبوط و رسمی و دفتری از
 زمان ناصرالدین شاه بوده است آنوقت اگر مورد اختلاف
 واقع شده مطابق پیش بینی که در این قانون شده است
 بطریق حکمیت حل کنند و اگر در این جا ما يك تفاوتی
 قائل شویم بین دعوی دولت بر مردم و مردم بر مردم
 بنظر بنده هیچ صحیح و صلاح نیست که برای مرور
 زمان دو نوع قانون برای اموال غیر منقول بنویسیم .
 دیگر از اعتراضات بنده (یعنی اعتراضی نیست و تقاضا
 است) این است که در شور اول هم پیشنهاد کردم که
 يك عده زیادی از املاک در این مملکت هست که دولت
 واگذار کرده است به يك اشخاص یا بخشیده است یا
 فروخته است درازای يك مقداری پنجهازاری یا در ازاء جزء
 جمع آن یا برای عمران و آبادی آن ملك خیلی از املاک

بوده است که خرابه بوده است و فرمان صادر کرده اند برای اشخاصی که بروند آن املاک را آباد کنند من جمله از جاهائی که مبتلا مهان است ولو آنکه مورد هم جزئی است و تفاوت نمیکند این است که مثلاً ما يك قریه داریم در سمنان موسوم به بیابانك (که همه آقایان شنیده اند) این قریه هزار و پانصد نفر جمعیت دارد یعنی هزار و پانصد نفر مالك این جا هستند بطور خرد ریز مردمش هم خیلی مستأصل و پریشانند يك ماه است که میگویند این جا خالصه است مال کی؟ مال زمان شیخ علاء الدوله هشتصد و پانزده سال قبل که شیخ علاء الدوله سمنان مرحوم شده است از آن به بعد میگویند این ملك خالصه شده است. حالا بموجب این قانون ما يك کاری بکنیم که هزار و پانصد نفر اشخاص لخت برهنه را دولت ملکشان را بگیرد؟! اینکه میشود ما باید يك کاری بکنیم و برای خرد مالکین يك مستثنیائی قائل بشویم بنده نمیدانم که چطور شده است این ملك انتقال یافته است فرمایش هم موجود نیست با اینکه آن کسی که اول به او انتقال شده است این ملك را خرد خرد کرده است و به خرد مالکین فروخته است مطابق معاملات عادی در هر صورت بنده خوب نمیدانم که حالا بیایند این املاک را از خرد مالکین بگیرند و بگویند مال دولت است پس يك استثنائی قائل شوید برای خرد مالکین آنهاست که ده شش دانگی دارند یا بالاخره سه دانگی را یا دو دانگی را مالکند این ها شامل این قانون باشند ولی آنهاست که يك دانگی یا کمتر دارند و خرد مالک هستند آنها را ملك اربابی بشناسند که بروند این املاک را آباد کنند و بعلاوه این اشخاص که الان متصرف این املاک هستند به اطمینان اینکه پول داده اند و چه میدانند در رقبه دولت چه نوشته شده است؟ غالباً اشخاص بی سواد که غالباً هم خودشان رعیت هستند

تصدیق دارید که در مملکت از این گونه مالکین زیاد هستند مالك این املاک هستند پس بطور خلاصه بنده مقصودم این است که آقایان توجه بکنند که يك رعایتی در حق خرد مالکین بشود

رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- عرض کنم که از توضیحاتی که آقای باستانی دادند این طور فهمیده میشد که موافق بودند نهایت این بود که موافقتشان يك قدری وسع تر بود و ناشی از آن ارتباط و تماسی بود که با طبقه فقیر و خرد مالکین سمنان دارند و این فکر بابشاف الفاء کرد که از آن طبقه که با آنها تماس دارند دفاع کنند. عرض کنم که فکر اساسی در پیش ما همان است که شما پیشنهاد فرمودید و اساساً بهانه جوئی و منته بخشاش گذاشتن بقول آقای آقاسید یعقوب نمیدانم مقصود چیست؟ ما در تحت هزاران عنوان مختلف مجلس دوره ششم از روزی که افتتاح شده بنده در خاطر دارم که متصل از طرف دولت و وکلاء تدارک و تجویزات شده است که خالصجات ما بین مردم تقسیم شود و این فکر قبول شده و شقوق قبول کردن البته فرق دارد ولی این فکر بیک قدری ثقیل است. ما چه باید بکنیم؟ اگر میخواهیم در این فکر يك قدری وسعتر و روشن تر اقدام کنیم روی يك چیزهایی در مملکت ما میروند. اساساً در مملکت ما آخر يك فکر و اصطلاحات حاضر است که هنوز در مملکت بعقیده بنده این فکر هست که دولت يك چیزی است و ملت يك چیزی است و بالاخره هنوز ما بین دولت و ملت يك تفاوتی قائل هستند اگر انشاء الله ما بیک قدری زرقی کنیم و آنقدر زرقی و فکر داشته باشیم که همه را یکی و مزوج بدانیم اینهمه اشکال زشتی دیگر لازم نیست و شما هم در موقع خودش فکران را پیشنهاد کنید و این ملاحظات خودتان را که ناشی از اطلاعاتتان است در موقع خود پیشنهاد فرمائید آنوقت اگر ما دیدیم آن پیشنهاد نزدیک بذهن است

ما از کمیسیون تقاضا میکنیم و استرحام میکنیم که موافقت کنند و خودمان هم رأی خواهیم داد و هر قدر بیشتر در توسعه مردم افزوده شود برای ما بهتر است

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- خیلی جای تأسف است که يك لایحه باین مهمی در عین اینکه آقای مخبر باید توجه بکنند که نمایندگان ایرادشان چیست یا میشود سر پا میروند بیرون. آقای خواجوی خواهش میکنم که بگذارید آقای مخبر باید دفاع کنند دولت هم که نیست دفع کند. در عین اینکه آقای باستانی يك حرف اساسی گفتند شما نبودید بدانید که حرف ایشان چه بوده. ما میخواهیم زود تر این لایحه بگذرد چه کار کنیم؟ این را هم که بنده عرض میکنم نه بعنوان مخالفت است ناچار هستم که يك توضیحاتی از آقای مخبر بخوانم که ایشان توضیح بدهند و بعد از آنکه مقصودم نامین شد پیشنهاد هم نمیدم که در صورت مجلس در واقع شرح قانون باشد در اینجا ماده اول نوشته است خالصه انتقالی املاکی است که از ۱۲۹۰ قمری باین طرف در تصرف دولت بوده است. چه چیز بوده است که آن وقت در تصرف دولت نبوده است؟ همه چیز در تصرف دولت بوده است. اینجا لا اقل عنوان کنید که در تصرف مالکانه دولت بوده. و الا دولت قادر قاهر استبدادی تمام چیزهای مردم در تصرف او بوده است. عنوان اینکه در تصرف دولت بوده باید معلوم شود که چه جور در تصرف او بوده است آیا عنوان رقبه هائی که هست میگوئید؟ و آن دفتری که از سالهای سال مانده است و مردم بدبخت را زنجیر گردنشان انداخته است؟ این را يك عنوانی بکنید که معلوم باشد. اگر آقای مخبر بگویند که نظر کمیسیون این بوده است که غرض از این است که در تصرف دولت بوده است و این را دولت ملك خودش میدانسته و بعد منتقل کرده است بعنوان مالکیت. این یکی یکی

هم در قسمت (د) نوشته است خالصجاتیکه بیست سال بدون تعرض از طرف دولت در تصرف اشخاص بوده است. اینجا چون در ماده اول در واقع همانطور که آقای باستانی کاملاً خوب فرمودند مرور زمان برای مردم چهل سال است ولی برای دولت پنجاه و پنج یا پنجاه و شش سال است. این را در واقع خواستم توجه بدم که در اینجا که نوشته از پنجاه و شش سال پیش از این دولت منتقل کرده است پس مناط را پنجاه و شش سال قرار داده ایم ولی اگر بیست سال مثلاً در تصرف مردم بوده معلوم نیست که این مدت بیست سال از چه وقت است آیا بیست سال اول در تصرف مردم بوده است و سی و شش سال دیگر در تصرف دولت بوده یا بیست سال بعد در تصرف مردم بوده؟ این چه میشود مگر اینکه اینجا يك قیدی بشود چنانکه بنده در نظر دارم که اگر آقای مخبر توجه بکنند و قبول بکنند این جور بشود: خالصجاتی که بیست سال آخر بدون تعرض و مداخله از طرف دولت در تصرف اشخاص بوده است یعنی حالیه هم در تصرف اشخاص باشد که بیست سال متأخر باشد نه بیست سال در عرض پنجاه و شش سال. یا بیست سال وسط یا اول. معلوم باشد که کدام بیست سال است از این پنجاه و شش سال اول است یا وسط است یا آخر است. کدام است؟ این دو مسئله مسئله سوم که برای من باز باید آقای مخبر توضیح بدهند که من درست نفهمیدم. این است چون تبصره دوم می نویسد خالصجاتی که قبل از ۱۲۹۰ قمری در تصرف اشخاص در آمده است در صورتیکه مشمول قسمت ب نشود ملك اربابی شناخته میشود. بنده تعجب میکنم که این تبصره فایده اش چیست و ما محتاج نیستیم بعد از آنکه ما مبدء را از ۱۲۹۰ قرار دادیم (که بنده موافق هستم با پیشنهاد آقای باستانی که چهل سال باشد) قبل از آن را دیگر هیچ صحبت نکنیم و دست از جان مردم برداریم که باز رقبه را بکشند پیش یا دوره نادری

و غیره را پیش نکشند. قبل از آن تاریخ هر چه هست بکلی از بین برود مبادا از آنجا قرار بدهند. املاکی که قبل ازین تاریخ در تصرف اشخاص بوده بموجب ماده اول مال مردم است دیگر ما نباید در اینجا صحبت نکنیم که باز يك استخوان لای زخمی قرار ندهیم باز دوسریه مردم بیچاره را گرفتار مأمورین مالیه و تفسیر کردن مأمورین مالیه قوانین را به میل خودشان نکنیم. چنانکه دیروز ملاحظه فرمودید اگر فی که آقای مفتی خواندند از دست مأمورین مالیه کردستان که صدای این خالصجات انتقالی که بلند شد افتادند بجان مردم. ما ماده اول را اینچنین که نوشتیم یعنی قبل از ۱۲۹۰ دیگر بکلی منقطع است و دولت نسبت بان ابدأ نباید حرفی بزند. دیگر آوردن در اینجا و در تبصره دوم قید کردن را ما محتاج نیستیم. اینست که بنده هم عرض میکنم که این تبصره درم را چون همین رأ من ازش فهمیدم میگویم هیچ محتاج نیست. ما بموجب ماده اول قطع کردیم که حساب مابین دولت و مردمی که این زنجیرنی پیر گردنشان افتاده است که وارد خالصجات انتقالی هست از ۱۲۹۰ با نظریه دیگر دولت حرفش نسبت بان قطع باشد این سه تا. يك مسئله دیگر هم اینکه عقیده من این بود که اگر آقای مخبر توضیح بدهند کفایت میکنند. يك رقبانی برای دولت باقی مانده يك کتابچه های کهنه ای هست که هر چه رژیم تجدید میشود و هر چه تعمیرات میشود باز آن کتابچه های بی پیر نوی وزارت مالیه هست. این کتابچه ها تکلیفش چه میشود؟! باز این عنوان هست؟ رقبات هست؟ مردم بدبخت باز گرفتار هستند؟ مردمی که رفته اند کوه ها را صاف کرده اند. قنات احداث کرده اند. سالهای سال در آنجا زراعت کرده اند دولت بعنوان این که آنجا ملك من است رفته است تصرف کرده است آیا این ترتیبات باز هم باقی است؟ پس يك قیدی بکنند که بعد از گذشتن این قانون آن کتابچه ها و رقبات و آن ترتیبات

دیگر يك تقویم بارین است و باید از بین برود. و الا اگر باز این استخوان لای زخم باشد مردم گرفتارند. این را باید توضیح بدهند که دیگر اعتباری بآن کتابچه های سابق و آن رقبات نیست که لا اقل ریش مردم از این جهت خلاص شود. این بود عرایض بنده که يك توضیحاتی بدهند پیشنهاد هم نمیکم

مخبر - اول جواب قسمت اخیر فرمایشات آقای آقا سید یعقوب را عرض می کنم. در این لایحه به طوریکه ملاحظه میفرمائید هیچ متکی بر رقبات نشده ایم. بکلی موضوع رقبات را کنار گذاشته ایم و هیچ نخواسته ایم داخل آن موضوع بشویم. که مدرک و مستند خالصه بودن ملك رقبات باشد. زیرا رقبات بقدری صورتهای مختلف دارد و بقدری درین مدت تغییرات مختلفه درش شده است که بکلی ترتیب ملکیت مردم را متزلزل کرده است. این است که به آن هیچ اعتباری نمیکنیم. و اما مسئله مرور زمان را که فرمودید پنجاه و شش سال است این اشتباه است مسئله مرور زمان در بین نیست ما نکته ایم در این پنجاه و شش سال مردم مالک باشند که مرور زمان قرار داده باشیم در لایحه اول فقط نوشته شده بود خالصجاتی که ملك دولت بوده است و بعد انتقال باشخاص داده است و این يك قدری کس پیدا میکرد که ممکن بود برود ناعهد ساسانیان در ضمن شور اول در مجلس شورای ملی از نظریات آقایان این عقیده رای کیسیدون پیدا شد که خوبست برای این کار يك مبدئی پیدا شود که از فلان تاریخ بان طرف املاکی که در تصرف دولت بوده است و بعد بتصرف اشخاص در آمده است خالصه انتقالی شناخته شود حالا. ممکنست در ظرف این پنجاه و شش سال بیست سال در تصرف دولت بوده و سی و شش سال در تصرف اشخاص با پنجاه سال در تصرف دولت بوده شش سال در تصرف مردم یا تاریخهای مختلف دیگر مقصود این است که کلیه از ۱۲۹۰ باینطرف ملک در تصرف دولت بوده است

تصرف هم نه این است که موقه دولت يك ملک را ضبط کرده باشد خیر عمل کرده باشد بهره برداری کرده باشد بعد هم باشخاص انتقال داده باشد آنوقت این املاک را ما خالصه انتقالی بشناسیم. البته تصرف دولت از روی عملی که کرده است معلوم میشود انتقال دولت هم باشخاص باید يك مدارکی داشته باشد. مدرک انتقال هم اول فرمان است که دولت بموجب فرمان املاکی را باشخاص منتقل کرده است در این مورد اعم از اینکه یکسال یا ده سال یا هر چه باشد هیچ مورد اختلاف نیست و باید آن ملك را ملك آن شخص شناخت و تابع مقررات این قانون دانست لکن خیلی اشخاص هستند که فرمان انتقال در دستشان نیست ولی معلوم است این ملك خاصه دولت بوده و امروز هم بتصرف اشخاص دیگری است اما وقتی از آنها مطالبه فرمان میشود فرمان ندارند. یا در نتیجه انقلابات یا چیز های دیگر فرمان از بین رفته است. بخصوص که غالب متصرفین امروزه اشخاصی که ابتداء دولت بآنها انتقال داده است نیستند. یا بارت بآنها رسیده است یا خرید و فروش کرده اند و یا بعنوان دیگر بدست اشخاص افتاده که فرمان دستشان نیست و يك موضوع مهم همین مطلب بود که در این ایام اسباب زحمت مردم شده بود برای آنها هم يك شرایط دیگری در نظر گرفتیم یکی اینکه در نتیجه مذاکرات و گفتگوهای که بین مالیه و متصرفین شده است طرفین قطع کرده باشند یعنی او خالصه انتقالی شناخته باشد دولت هم شناخته باشد و قرار مالیات با او داده باشد که امروز که در ماه بهمن است مطابق این تاریخچه نوشته شده باشد که مالین مالک و وزارت مالیه هیچ اختلافی نیست و طرفین آنرا ملك خالصه انتقالی و ملك فلان شخص میشناسند مالیات هم میدهد مقصود این است که این موضوع قطع شده است دیگر ما امروز يك سند با مدرک جدیدی برای آن معین نکنیم. این بطور کلی يك قسم یکی دیگر آنهایی که نه فرمان دارند و نه در نتیجه مذاکراتی

که داشته اند عمالشان با وزارت مالیه قطع شده است. برای آنها يك شرایط دیگری است. یکی اینکه سی سال در ظرف این مدت در تصرف شخص بوده است نه تصرف دولت و او این که در اواسط این مدت هم از طرف دولت اعتراضی بان ملك شده باشد یا نشده باشد ولی وقتی که معلوم شد سی سال اینملك در دست های دیگری غیر از دست دولت بوده است آن ملك را ما خالصه انتقالی و ملك آن شخص بشناسیم و دیگر تعرض نکنیم. یکی اینکه بیست سال بدون تعرض دولت اگر در تصرفشان بوده آن را هم متعرض نباشیم. یعنی نه فرمان دارد و نه حالا گفتگویشان قطع شده است و نه اینکه سی سال است اما بیست سال است که بدون تعرض در تصرف او بوده است. این را هم دیگر متعرض نباشیم و ملك شخصی او بشناسیم....

آقا سید یعقوب - نای ؟

مخبر - تا این تاریخ در ظرف از ۱۲۹۰ تا بحال که این ملك در تصرف دولت بوده است و بعد بتصرف اشخاص غیر دولت در آمده است معلوم شود که بیست سال این ملك در تصرف اشخاص بوده است اینملك آن شخصی شناخته شود. البته اینمسئله برای تسهیل نیست که در اثبات مالکیت اشخاص میشود ولی وقتی طرفین خالصه بودن آنرا شناختند و مالیات خالصگی را هم قبول کردند. بر فرض که اینجا دولت این ملك را داد بان شخص ضرری نمیکند يك تسهیلانی است که کرده است از برای اینکه رفع اختلاف و گفتگو بین آنها بشود. در قسمت آخر هم که آقای یاسائی می فرمودند راجع به همین مدت مرور زمان همینطور که عرض کردم پنجاه و شش سال با این شرایطی که در فوق ذکر شده است مرور زمان نیست بلکه مقصود این است که در ظرف این مدت یکی از آن شرایط کافی خواهد بود که آن ملك را ملك آن شخص بشناسند. اما قبل از ۱۲۹۰ شاید ملك دولت بوده است که منتقل شده است باشخاص آن املاک اگر تا این تاریخ ما بین وزارت مالیه و صاحبان ملك گفتگویی

نیست و طرفین قبول کرده اند خالصه انتقالی بودن آنرا که دعوائی ندارد ما امروز حرف جدیدی بآنها نمی‌زنیم جز اینکه مطابق این مواد بیاییم با آنها معامله کنیم و مالکشان را بصورت املاک اربابی بکنیم. ولی اگر اختلافات دارند و فرضاً وزارت مالیه بگوید فلان ملک جزء املاک نادری بوده است و من میخواهم آنجا را خالصه بشناسم ولی صاحبش بگوید خیر ملک اربابی است و اگر در زمان نادر شاه خالصه بوده است به من ربطی ندارد این هم باید ملک اربابی شناخته شود برای اینکه ما میگوییم دیگر قبل از ۱۲۹۰ را وزارت مالیه حق مداخله و تعرض باشخاص نداشته باشد و آنها را باید در ردیف املاک اربابی بشناسند و گفتگوی خالصگی را با آنها موقوف کند یعنی منازعات و مشاجرات موجوده راجع باملاک قبل از ۱۲۹۰ را خانه بدهند و آنها را در ردیف املاک اربابی بیاورند ولی آنها را که مذاکره بین دولت و متصرفین قطع شده و طرفین نسبت بخالصه بودن آن حرفی ندارند آنها را خالصه انتقالی و ملک آن اشخاص بشناسند و با آنها مطابق این قانون عمل بکنند. بنده تصور می‌کنم ملاحظاتی را که کمیسیون از روی نظریات آقایان در شور اول در نظر گرفته و مطالعه کرده است بهتر و سهلترین طریق و شرایط را برای تشخیص خالصجات انتقالی از املاک اربابی که برای اثبات این مسئله کافی باشد در نظر گرفته و بهتر از آن گمان نمی‌کنم بشود شرایط دیگری در نظر گرفت

رئیس -- آقای ملک مدنی

ملک مدنی - موافقم

رئیس - آقای فرشی

فرشی - بنده اجازه نخواسته ام

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

کازرونی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

کازرونی - عرض کنم يك لایحه به این مهمی. دولت هم که حضور ندارد که بفهمیم چه میخواهد بشود. در يك همچو موضوعی که غالباً روی احساسات فردی داریم حرف می‌زنیم يك کسی مخالف است بر علیه منی که مخالف هستم صحبت می‌دارد. من مخالف بر علیه مخالف دیگر حرف می‌زنم و هر دو هم روی مخالفت يك لایحه ای هنوز اصول و اساس خالصه بودن را سر در نیاورده ام که چطور توصیف کرده اند. که از روی آن بی بریم بآن حقیقتش و موادش بکمر تبه من نمیدانم برای چه آقایان می فرمایند مذاکرات کافی است. آقا این لایحه بقدری مهم است و بطوری پیچ در پیچ است که هیچ معلوم نیست موافق و مخالف کیست مخالف موافق است و موافق مخالف است (خنده نمایندگان) می فرمایند مذاکرات کافی است بنده عقیده ام این است که هر چه بیشتر در اطراف این موضوع صحبت بدارید بهتر است علاوه بر اینکه این مستلزم خسارت يك عده زیادی از مردم بد بخت ایران است باید تکلیف آنها را در آتیه تعیین کنیم که به کجا باید رجوع بکنند رئیس -- آقایان یککه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(عده کمی برخاستند)

رئیس -- تصویب نشد. آقای طاهری

طاهری - عرضی ندارم.

رئیس - آقای روحی

روحی - بنده مجدداً میخواستم از آقای مخبر وسایر اعضاء کمیسیون سؤال کنم که دولت در شور دوم این قانون حضور داشته است یا نه؟ (بعضی از نمایندگان بلی) این بنظر دولت بوده است یا هم بطوری که حالا شور می‌کنیم و دولت حاضر نیست بوده؟ و این را بنده در اجراء قوانین فوق العاده مؤثر میدانم که وزیر مسئول وقت وفق يك قانونی که راجع بآن وزارتخانه است می

گذرد حاضر باشد بجهت اینکه او جریان اداری را واقف است ممکن است يك چیزهایی که در نظر ما نیست تذکر بدهد در ماده اول چون شور دوم است بنده بعنوان کلیات يك عرضی میکنم. خالصجات انتقالی بنده مالکین امروز آنرا هیچ حرفی ندارم و آنها را مالکین حقیقی میدانم یعنی آنها می که بعد خریده اند ولی آنها می که بالاستقلال از دربارهای گذشته با آن عنوان شرم آوری که مالک این خالصجات انتقالی میشدند من با آنها طرفم و عقیده دارم که آنها يك متصرفین بوده اند که تا این تاریخ کاملاً استفاده خودشان را کرده اند و از این بیعد دولت باید مالکانه ملک آن ها را تصرف کند....

عدل - اینطور نیست آقا

روحی - این عقیده بنده است. شما مالکید و من

خالصه ندارم این فرق بنده و جنابعالی است...

عدل - من مالک نیستم.

روحی - خیلی خوب. بگذارید من عقیده خودم را عرض کنم. عقیده آزاد است و بنده عقیده خودم را میگویم حکمیت هم بالاخره مجلس شورای ملی خواهد کرد. خالصجات انتقالی را چند قسم میفروخته اند توجه بفرمائید بمرایض بنده يك دهی که هشت صد خروار ضبط میداده است در همان دوره ناریک استبداد از این هشتصد خروار هفتصد و سی خروار اینرا مالیات می‌بستند هفتاد خروار بعنوان حقوق يك مباشر بملك خالصه واگذار می کردند در واقع يك مباشر بود و این يك مالک بنام معنی شناخته نمیشد باین معنی که مامورین مالیه آخر سال بالای سرش بودند و می گفتند هفتاد خروار گندم باك کرده بده این بیش از حق يك مباشر در اینجا مالک نیست اینرا چطور میخواهید باینچ را بر قیمت از دست بدهید. شما حق مملکت را دارید در اینجا تضییع می کنید این کار برای دوره ششم تنگ آور است که ما میخواهیم يك خالصجات انتقالی را با يك قانونی که داریم باین

شدت و فشار برای چهار نفر اشخاص معلوم معین بگذاریم نکنید آقا اینطور....

عمادی - عصبانی نمیخواهد بشوی آقا.

روحی - شما چطور می توانید حق يك مباشر را که مالک نبوده است مثلاً این خالصه شش دانگی را پنج دانگ و نیم دولت مالک بوده است و نیم دانگ را این شخص مالک بوده است حالا شما این نیم دانگ را می خواهید به پنج برابر حاصل آن بفروشید اگر اینطور است صد تا از این خالصجات را به بنده واگذار کنید بنده این اصل را غلط میدانم و باید دولت این جا اصل تصنیف را در نظر بگیرد سه دانگ مال دولت رسد دانگ هم مال او باشد همینطور که تا بحال هم مالیه عمل می کرده است و مالکین خالصه هم تا بحال راضی بوده اند سه دانگ آن سه دانگ این. سه دانگ ملک دولت و سه دانگ هم ملک متصرفی متصرف فعلی و هر وقت سایر خالصجات را فروختند این را هم بفروشد و اگر بفروختند که هیچ منتهی از نقطه نظر حق الشفعه که برای مالکین مشترکی است در موقع فروختن اگر شرایط مساوی شد در قسمت مزایده او ببرد و باین ترتیب يك حقی برای این متصرف فعلی قائل شویم والا با این ترتیب ما پنج برابر محصول را برداریم و ملک را بدهیم مردم این آخر چه عنوانی پیدا خواهد کرد این يك قسمت. يك قسمت دیگر مسئله احتکار است که شما هنوز قانونی برای آن وضع نکرده اید. يك قانونی دارید که جلو گیری کنید از محتکر که چطور با او رفتار کنید؟ خیر ندارید. تا این قانون را ندارید لازمست دولت در همه جا الباری داشته باشد و بر باشد از گندم. در کرمان هفت هزار خروار الان از خالصجات دولت گندم گرفته اند و الان ضبط است در عراق هفده هزار خروار گندم در الباری دولت است. جا های دیگر چقدر. اگر این گندم ها در تصرف دولت نباشد بالاخره محتکرین بطوری مردم را در فشار میگذارند

که آذوقه برای کسی باقی نماند خاصه در ولایات و همین امسال در کرمان مردم کرمان گرفتار شدند فوراً وزارت مالیه بخصاصاتش امر کرد که روزی سی خروار جنس به خباز خانه آنجا بدهند تا این امر شد فوراً جنس آمد پائین و مردم در رفاه افتادند. خوب شما این خالصه را که فروختید جنس را هم از دست دولت خارج کرده اید قانون احتکار هم ندارید آن وقت جنس میزود بالا و بنفع بک مشت مالکینی که سال ها مردم تعدی میکردند تمام میشود. اگر میخواهید خالصجات را بفروشید در پایان عرایض عقیده دارم که سه دانگ و سه دانگ بکنید سه دانگ مال متصرف فعلی و سه دانگ مال دولت. و بر فرض هم که بخواهید برای سرمایه بانک ملی قرار بدهید آنوقت دولت همین سه دانگش را بفروشد و بنده معتقدم که آقای دکتر مصدق چنانچه در خارج هم خدمتشان عرض کردم و دوسیه مفصل این کار را هم در وزارت مالیه مطالعه کرده در این موضوع خوبست مذاکره فرمایند و نگذارند حق جامعه و ملت از بین برود

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - آقای وری فرمودند که آیا جلب نظر دولت در این خصوص شده است یا نه؟ بنده خیلی تعجب می کنم که چرا این اظهار را کردند برای اینکه این لایحه وقتی در کمیسیون مطرح شد آقای وزیر مالیه بودند به علاوه یک عده هم از متخصصین مالیه آنجا حضور پیدا کرده بودند و با توافق نظر آنها این لایحه تنظیم شده است مخصوصاً آقای منصور السلطنه هم برای جنبه قانونی این لایحه دعوت شده بودند رئیس اداره عایدات داخلی دعوت شده بود. و پس از آنکه جلب نظر دولت شد خبرش تقدیم شد. اما اینکه فرمودید حالا دولت حضور ندارد نمیشود مطرح کرد بنظر بنده لزومی ندارد وقتی که دولت در یک لایحه موافقت حاصل کرد دیگر حضور او لزومی ندارد. اما اینکه فرمودند این املاک بیک

نباشند ملاکین هستی شان را از اول سال تا آخر سال برعابا میدهند و آخر سال هم باز مقروضند و این عرایضی را که بنده می کنم از نقطه نظر طرفداری ملاکین نیست اینها برای رفع سوء تفاهم است و این لایحه از روی نظر ملاکین تهیه نشده و روی نظر آسایش عامه تهیه شده است دلیلش هم این است که خود حضرت عالی می فرمائید این را تنصیف کنند نصف را بدهند بمالك و نصف را بدولت، اصل متن این لایحه با نظر سرکار موافق است دولت پیشنهاد می کند بمجلس که خالصجات را بفروشد آنوقت شما می فرمائید که باز نصف خالصجات را نگهدارند دولت اگر می توانست خالصجات را اداره کند که این لایحه را پیشنهاد نمی کرد آنوقت بعقیده شما این ها را نصف کنیم نصف که دست دولت باشد خراب و بآثر و نصف دیگر آباد؟ این که نمیشود آن قسمت هم بالطبع خراب خواهد شد به علاوه دولت نمی تواند اداره کند اگر می توانست چرا پیشنهاد فروشش را می کرد؟ فرمودید آقای دکتر مصدق خوبست در این موضوع اظهار عقیده بکنند. مخصوصاً از طرف کمیسیون قوانین مالیه ایشان دعوت شد که حضور پیدا کنند و در این موضوع اظهار عقیده بکنند در حال بنده خیال می کنم ایشان هم با این نظر موافقت و مخالف نیستند و اغلب جلب نظر آقایانی که در این قضیه ذی علاقه بوده اند از طرف کمیسیون شده و با مطالعه کامل این لایحه تنظیم شده است. و بنده تصور می کنم اگر چنانچه آقایان نظر اصلاحی دارند ممکن است بفرمایند و البته موافقت میشود ولی تنصیف این املاک اساساً اسباب خرابی ملت و زحمت دولت میشود

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده متقد بودم که دولت باید در موقعی که این لایحه مطرح میشود حضور داشته باشد چون دولت بیش از ما از اوصاف مختلفه خالصجات انتقالی مطلع است. در هر صورت منافاتی ندارد و تصدیق

می کنم که واجب نیست. بنده چنان که در شور اول هم عرض کردم آن مالکی که شش دانگش متعلق بدولت بوده است انتقال داده است بشخص هر طور بیکه با متصرفین معامله میشود بشود بنده مخالفتی در آن قسمت ندارم اگر چنانچه صدی ۵۰ از آنها بگیرند بنده مخالفتی ندارم. یک مالکی که دست مردم باشد انتفاعش بالاخره بر میگردد بمردم ولی مخالفت هم باشد بالاخره انتفاعش بر میگردد بمردم ولی مخالفت بنده از روی یک نظری است که مکرر هم عرض کرده ام در شور اول هم کفتم یک قسمتش را هم آقای آقا سید یعقوب اظهار داشتند پیشنهاد هم دادم لیکن مورد توجه واقع نشد - عقیده بنده این است که اگر این قانون بهمین حالت خودی که دارد از مجلس بگذرد اسباب اسارت یک عده زیادی از مردم جنوب ایران میشود. آقایان قیاس می کنند املاک خالصه که در قسمت جنوب ایران است با املاک سایر قسمتها. در صورتیکه این ها ابداً با هم طرف مقایسه نیستند. طرف نسبت نیستند. دولت در اکثر از نقاط جنوب ایران معتقد است که تمام اراضیش خالصه است

مدرس - در تصرف خودش هست یا خیر؟

کازرونی - دولت که تمام ایران را بیک اعتبار متصرف است. اگر تصرف همین است که حالا دولت می گوید البته تمام را متصرف است. اما تمام اراضی و نقاط که عرض کردم مقصود اکثر نقاط جنوبی است که دولت عقیده دارد خالصه است حالا که متصرف بوده است و یکی در تصرف در آورده و چطور تصرف کرده و چه معامله با مردم کرده معلوم نیست. مردم هم اصلاً نمی دانند که دولت یک همچو عقیده دارد البته وقتی هم که مردم انتقال داده است مردم ابداً حس نکرده اند و نفهمیده اند که این خالصه بوده است و دولت انتقال داده است نهایت این است که آن مالیات را همیشه دولت از مردم می گرفته بعد بکنفر دیگر آمده از مردم گرفته مردم هم خیال کرده اند که اصلاً تغییراتی داده نشده است املاکش که بدست

خودش است و در تصرف خودش است دولت هم مالیاتی می گرفته حالا دیگری میگیرد بسیار خوب اینکه عیبی ندارد شبهه ندارد. این طور تصور میگردند و بدبخت ها کاملاً مطمئن نبوده دیگر ابتدا فکر این را نمی کردند که دولت اینطور مقتضی دانسته است آقایان می دانند که مردم نه تنها سواد ندارند بلکه هیچ نمی فهمند اوضاع مرکز چه جور است و خالصه کدام است و دفتر رقبه یعنی چه. اینها را هیچ اطلاع ندارند اکثر نقاط جنوبی ایران اصلاح خیال نمی کنند که صدای آنها مرکز می رسد عرض بنده این است که آیا شما بایستی در ماده اول آن خالصه انتقالی را درست وصف کنید و توصیف کنید که عبارت از چه چیز است. اگر يك ملكی بوده است که دولت متصرف بوده است و معامله خالصگی در آن کرده است و سند بهره برداری از مردم گرفته و بعد انتقال داده است باشخص بنده موافق هستم که هر طور می باشد لایحه تقدیم کردید یا بهتر یا بدتر یا کمتر یا بیشتر بنده هیچ مخالفتی ندارم ولی آن املاکی که وجب بوجوبش بدأ ببدأ مال مردم بوده است و هیچ دلیلی برای مالکیت دولت نیست هیچ نمیدانم کی و چگونه و برای چه انتقال بدولت پیدا کرده است و برای چه حکام و متنفذین آمده اند و در تحت يك عنوانی يك فرمانی صادر کرده اند و همینطور با مردم هم يك معاملاتی کرده اند گاهی هم مردم مثل اینکه مالیات نمیداده اند بانها چیزی نمی داده اند و گاهی هم مثل اینکه مالیات میداده اند بانها هم چیزی میداده اند همینطور این وضعیت بود و ادامه داشت تا اینکه این اواخر که بحمدالله مملکت و دولت قوت بخودش گرفت حالا هم که دولت قوی است آنها سوء استفاده از قوت دولت می کنند بر علیه مردم اگر شما مطلع بودید که بامردم بیچاره چه جور معامله می کردند پیش از بنده متأثر میشدید بنده قبلاً هم عرض کردم این ملکی را که مال مردم است زمینش آبش خرجش تمام مال مردم است و بدأ بیدر رسیده است به آنها و الان هم مال

آنها است این امروزه بعنوان اینکه این جا خالصه است می رود میگوید که آقا این جا نصف مال من و نصف مال تو آقا تعرض میکند مثلاً میگوید که این باغستان صد خروار خرما دارد هر چه فریاد میزند که بابا جان این باغ من صد خروار خرما ندارد میگوید نه خیر دارد و باید با هم قسمت کنیم میگوید اگر تو خیال می کنی دارد من حاضر معامله کنم یا تو بیا ۵۰ خروار به من بده خودت عمل کن و ولم کن میگوید خیر و این بیچاره باید تمام مال و اموال خودش را از دست بدهد و بالاخره باغش را از دست بدهد و پنجاه خروار برای آقا بزور چیز بدهد ۱۲ در هر صورت نمی می کشم از غیر محترم که درست اینها را این جا وصف میکنند توضیح بدهند این چیزهایی که بنده عرض کردم و غالب آقایان محترم میدانند که مورد ابتلاء مردم است همه اینها را در نظر بگیرند. این اشخاصی که بدأ ببدأ سالهای سال املاکی در دست شان بوده و متصرف هستند و خورده مالک و ریزه پا هستند مستثنی بشوند از این قانون که ملک در دست خودشان ماند و از خانه ولایت خودشان محروم نمایند. حرف بنده این است و حرف نا مشروعی هم نیست که بنده تقاضا میکنم ولی باز هم توضیح میدهم که مخالف نیستم بخیل نیستم ضرری نمیخواهم که در بقیه قسمت ها بمقت باشخص داده شود عیبی ندارد ولی عرض بنده این است که بانها کسی شود و حقشان باعمال نشود

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
(بعضی آمنتند کافی نیست)
روحی - بنده مخالفم اجازه میفرمائید
رئیس - بفرمائید

روحی - عرض کنم بنده عقیده داشتم در این قانون بحدی مذاکره بشود که حتی اگر نظامنامه اجازه میداد معتقد بودم که سه شوری بشود خوبست آقایان باین زودی مذاکرات را کافی بدانند و بگذارند کاملاً در

اطراف مطلب بحث بشود مخالفین و موافقین حرفهایشان را بزنند و بالاخره يك راه حل صحیحی پیدا شود البته اگر مطالب صحیح است قبول میشود اگر نیست جواب داده میشود و خواهش میکنم آقایان موافقت بفرمایند و بگذارند مذاکره بشود.
رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که موافقتند با کفایت مذاکرات قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)
رئیس - اکثریت است. پیشنهادها چون زیاد است گمان میکنم ماند برای جلسه بعد بهتر است جمعی از نمایندگان - صحیح است
رئیس - مخالفی ندارد؟
(گفتند - خیر)

(مجلس مقارن ظهر ختم شد)

قانون

اجازه پرداخت یکصد و پنجاه هزار تومان برای مخارج انتخابات دوره هفتم تقنینیه موسی

هزار تومان بابت کسر مخارج انتخابات دوره ششم

مصوب ۲۹ بهمن ۱۳۰۶ شمسی

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است مبلغ یکصد و پنجاه هزار تومان از عایدات هذه السنه ۱۳۰۶ برای مخارج انتخابات دوره هفتم تقنینیه بوزارت داخله کار سازی دارد
تبصره ۱ - وزارت مالیه مجاز است مبلغ سی هزار تومان بابت کسر مخارج انتخابات دوره ششم تقنینیه را علاوه بر مبلغ فوق آذیه نماید.
تبصره ۲ - اعتبار فوق برای يك دوره انتخابیه است و صرفه جوئی حاصله در صورت لزوم صرف مخارج همان دوره انتخابیه میرسد

چنانچه صرفه جوئی هنگام ضرورت معلوم نباشد از اصل بودجه ممالکت پرداخت میشود
این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه بیست و نهم بهمن ماه یکهزار و سیصد و شش شمسی تصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی
حسین پیرلیا